



عکس: علی محمدی/ایران

... در جستجوی سخن نو

باهنر، دبیرکل «جبهه پیروان»: تابلو انتخاباتی اصولگرایان نباید ضد برجام باشد

فرناز حسنعلی زاده/ یکی از اتهاماتش «تصویب برجام در ۲۰ دقیقه» است؛ تاواپسین روزهای مجلس نهم شورای اسلامی، هم مسلکانش وی را متهم کردند که همراه علی لاریجانی برای پشتیبانی از دولت، مصوبه پارلمان درباره «برجام» را در چشم به هم زدنی تصویب کرده به عنوان یکی از اعضای تأثیرگذار هیأت رئیسه مجلس، اجازه نداد نمایندگان طرح‌های تکمیلی مصوبه «برجام» را به صحن بیاورند. باهنر هم طرح این ادعاها، هم ادعای بی اثر بودن «برجام» را «ظالمانه» می‌داند و معتقد است گسترده شدن دامنه این بحث در مجلس شورای اسلامی، تنها از کیفیت کار می‌کاست و چه بسا به سود طرف دیگر مذاکره تمام می‌شود. او همچنین معتقد است طرح‌هایی که با نام تکمیل «برجام» پیشنهاد می‌شود، هدفی غیر از متوقف کردن این مصوبه در پارلمان نداشته. باهنر معتقد است «برجام» تاگزیر بود و بر این باور است نباید تابلوی اصولگرایان در انتخابات سال آینده، «ضد برجام» باشد. مشروح گفت‌وگوی «ایران» با دبیرکل «جبهه پیروان» را در زیر می‌خوانید...

سال آینده انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای اسلامی شهر و روستا برگزار می‌شود، فضای کلی را چگونه می‌بینید؟

مایک سری تجربیات داریم که ممکن است تکرار نشود؛ این تجربیات را که کنار هم بنشانیم، پارادوکس به وجود می‌آورد. یکی از تجربه‌ها این است که معمولاً رؤسای جمهوری در ایران، دودوره‌ای هستند. نه تنها در ایران، بلکه در دیگر کشورها هم همین‌طور است. من شنیدم در کل تاریخ دموکراتیک دنیا تنها ۱۸-۱۷ رئیس جمهوری بوده‌اند که برای بار دوم انتخاب نشده‌اند. در ایران تا به حالا سابقه نداشته که دوران ریاست جمهوری، یک دوره‌ای باشد. دور رئیس جمهوری اول یعنی بنی‌صدر و شهید رجایی، دولتشان به اتمام نرسید. نکته دومی که وجود دارد این است که ما تا قبل از انتخاب آقای روحانی، رئیس جمهوری ۵۰/۲ درصدی نداشتیم. باید ریزش‌ها و رویش‌های رأی آقای روحانی را بررسی کرد، چون روحانی دم‌مرزی رأی آورده است و اگر ریزش آرایش بیش از رویش‌ها باشد، مشکل ایجاد می‌کند. از طرفی همه امیدواری دولت‌و طرفدارانش این است که حس می‌کنند روحانی رقیب جدی ندارد. نکته دیگر که در یک کشور دموکراتیک نقطه ضعف است، این است که انتخابات عموماً هیجانی است و این باعث شده که سه رئیس جمهوری اخیرمان - فارغ از قضاوت درباره عملکرد و شایستگی شان - یک‌ماه‌آخر رئیس جمهوری شدند. بعضی‌ها هم مثل احمدی‌نژاد ۱۰ روز آخر رئیس جمهوری شد. احمدی‌نژاد فقط خودش تصور می‌کرد به باسئو می‌رود؛ احدی از فعالان سیاسی کشور برداشت شان این نبود که او رأی می‌آورد و نخستین بار هم بود که انتخابات به دور دوم رفت. اگر مجموعه این مسائل را دور هم جمع کنیم، تحلیل کردن یک مقدار سخت می‌شود. امامی توان گفت اگر آقای روحانی به مرحله دوم بیفتد، با هر کس به مرحله دوم برود، قطعاً

می‌گویند ریسک انتخابات سال ۹۶ بالاست. دلیل دیگر این است که حس می‌کنند اصولگرایان به وحدت نمی‌رسند. خودشان اصولگرا هستند؛ علاقه‌مندند یک اصولگرا رأی بیاورد؛ داعیه هم دارند، اما احساس شان این است اصولگرایان نمی‌توانند به جمع بندی برسند و به اصطلاح خراب می‌شوند. از طرف دیگر پدیده‌هایی مثل آقای احمدی‌نژاد هستند؛ چه کسی تصور می‌کرد آقای هاشمی را پشت سر بگذارد. خدا در جات آقای هاشمی را متعالی کند؛ محبوبیت ایشان در زندگی پرفراز و نشیب‌شان تغییر کرد اما با تجلیلی که روزتشیب پیکرشان شد، حساسی عاقبت به خیر شد و خاطره خوشی ماند. این گذشته‌ها را نباید فراموش بکنیم. پدیده‌های سیاسی ما ناباند و یک دفعه آدم گمنامی می‌آید و رأی می‌آورد؛ چون فضای انتخابات ما هیجانی است.

پیش‌بینی می‌کنید اصولگرای شاخص وارد میدان شود؟

تلاش می‌کنیم بشود.

به نظر می‌رسد اصولگرایان برای اینکه فضا دو قطبی نشود، خودشان خیلی تمایل ندارند چهره شاخصی بیاید. از طرفی برخی معتقدند اگر چهره شاخصی بیاید، مردم رأی سلبی داده و حتماً به رقیبش یعنی آقای روحانی رأی می‌دهند. اما اگر دو قطبی نشود، درصد مشارکت پایین می‌آید و رأی روحانی متعاقب آن پایین می‌آید.

این را قبول ندارم؛ علاقه‌ام حضور حداکثری است.

حضور حداکثری یک نامزد قوی می‌خواهد...

حضور حداکثری ربطی به نوع انتخابات ندارد؛ سرمایه اجتماعی ما را بالای می‌برد؛ حتماً باید حضور حداکثری باشد و حتماً هم می‌خواهیم کاندیدای خودمان رأی بیاورد. دو قطبی ای که حضرت آقا در مشاوره به آقای احمدی‌نژاد به آن اشاره کردند، متفاوت بود؛ منظور حضرت آقا احتمالاً دو قطبی خشن بود مثل فتنه ۸۸. رقابت باید جدی باشد؛ معقول باشد؛ تخریب نباشد؛ بد اخلاقی وزیر آب زنی نباشد.

یکی از نکات قابل تأمل این است که اصولگرایان در سه دوره اخیر نتوانستند گزینه خود را برای باسئو کرده و پیروز انتخابات ریاست جمهوری شوند. احمدی‌نژاد هم نامزد اصولگرایان نبود؛ خودش هم اعلام کرد؛ هر چند بعداً مورد حمایت طیفی از اصولگرایان بود. فکر می‌کنید چرا اصولگرایان در انتخابات ریاست جمهوری پیروزی نداشتند؟

یک مقدار باید ادبیاتمان اصلاح شود؛ تعاملاتمان اصلاح شود؛ باید یک مقدار حرف نوبز نیم. یکی از مشکلات جدی ما که بعضی وقت‌ها ما را هم به خاطر آن نصیحت می‌کنند این است که شما متولی نظام نیستید؛ ممکن است ما به بعضی نهاد‌های حکومتی نقد هم داشته باشیم اما خود را مسئول می‌دانیم دفاع کنیم. در همین انتخابات اخیر ۱۲ هزار نفر برای انتخابات مجلس ثبت نام کردند. شورای نگهبان هم صلاحیت حدود ۶۰۰۰ نفر را تأیید کرد و صلاحیت حدود ۶۰۰۰ نفر را رد کرد یا احراز نکرد. بنده به عنوان فعال سیاسی می‌توانم یک تعدادی را بشمارم که صلاحیتشان بی خود تأیید شد و یک عده‌ای را بشمارم که بی خود رد صلاحیت شدند و حق شان ضایع شد. این انتقادها یک جایی خریدار دارد یا اینکه گاهی آن قدر در برخی حوزه‌های انتخابیه تقلب و تخلف می‌شود که انتخابات باطل می‌شود. خوب در چنین وضعیتی اینکه بگوییم هیچ تقلبی در کشور نمی‌شود، بی خود است. البته کسی هم بگوید تقلب در حد جابه‌جایی ۱۵-۱۰ میلیون است، دعوا و فتنه می‌شود. در کل اصولگرایان معمولاً بخشی از آرایشان را به خاطر حمایت از نهاد‌های حکومتی از دست می‌دهند.

طیفی معتقدند اصولگرایان نمی‌برند چون حاضر نیستند با ملاحظاتی دارند که با طیف تندرو، مرز بندی نمی‌کنند. بعضی اصولگرایان مسائلی را مطرح می‌کنند که مورد پسند مردم نیست و به حساب کل اصولگرایان نوشته می‌شود...

هم هست و هم نیست؛ فرض کنید طیف اصولگرا یک ستون آدم به طول صد متر است. من که وسط ایستاده‌ام و به اصطلاح می‌خواهم این سطوح صد نفره را مدیریت کنم اگر به ۱۰ نفر جلویی بگویم کلاه بیاور، سری می‌آورند. ۱۰ متر آخر هم اصولگرا هستند اما در گوشمان می‌گویند ما اصولگراییم، اما به کسی نگوید؛ چون می‌خواهیم با اصلاح طلبان زندگی کنیم. ما باید هر صد متر را داشته باشیم؛ برخی‌ها می‌گویند ۲۰ متر اول و آخر را که لیبرال و رادیکال هستند کنار بگذارید. خود اصلاح طلبان هم طیف تندرو دارند اما کنار نمی‌گذارندشان؛ دلشان را به دست می‌آورند؛ توصیه می‌کنند آرام‌تر باشند...

سرعت در حرکت با اختلاف در مبانی فرق می‌کند؛ بحث «برجام» که جناب‌عالی اشاره کردید در اصولگرایان هم موافق و هم مخالف جدی دارد...

تابلو ما نباید ضد برجام باشد؛ ولی بعضی وقت‌ها ضد برجام می‌شود. «برجام» در حال اجراست و دیدگاه‌های متفاوتی در داخل کشور مطرح است؛ عده‌ای معتقدند توافق هسته‌ای هیچ دستاوردی نداشته است و بعضی‌ها هم با تعبیری حتی بحث خیانت مذاکره‌کنندگان را مطرح می‌کنند. جناب‌عالی در ایام

باخته است. باید مرحله اول کار را تمام کرد.

اشاره کردید برگ برنده روحانی این است که رقیب توانمندی ندارد؛ چرا اصولگراها در وضعیتی قرار گرفتند که نمی‌توانند رقیب قدری برای او بیابند یا به میدان بیاورند؟

یکی از مشکلات کشور ما که بارها هم گفته شده این است که دوسه حزب قدر و چار خوب مند نداریم؛ من در غیبت احزاب قدرتمند، نگران آینده مردم سالاری دینی هستم. همین باعث شده جناح‌ها با همدیگر رقابت کنند نه احزاب. جناح‌ها هم زمان انتخابات ۸۰-۷۰ درصد انرژی شان صرف وحدت خودشان می‌شوند. یک نکته دیگر که بر اساس نظرسنجی و پایش است، حدود ۲۰ درصد جامعه ما ۲۴ ساعت قبل از انتخابات تصمیم‌نگرفته‌اند به چه کسی رأی بدهند. خیلی آدم‌ها را در کشور داریم که از عملکرد دولت آقای روحانی ناراضی هستند اما خیلی هم به اصولگرایان علاقه ندارند؛ منتظر می‌مانند تا ببینند چه کسی از اصولگرایان معرفی می‌شود؛ ممکن است کسی در بیاید و بگویند این بهتر از روحانی است؛ ممکن است کسی باشد که بگویند روحانی هر قدر خراب کرده باشد به او رأی می‌دهیم چون رقیبش برای ما قابل هضم نیست.

در سه انتخابات گذشته که شما اشاره کردید، چهره‌های شاخص اصولگرا وارد رقابت شدند. در این دوره هیچ فرد شاخصی اعلام آمادگی نکرده است. تفاوت این دوره انتخابات با ادوار قبلی چیست که این گونه پیش‌بینی می‌شود چهره‌های شاخص اصولگرا به میدان نخواهد آمد؟

در ذهن هر کس یکی از پارامترهایی که گفتیم پررنگ‌تر است؛ مثلاً کسی معتقد است ریاست جمهوری در کشور ما ۸ ساله است و اگر هم داعیه رئیس جمهوری دارد برای انتخابات سال ۱۴۰۰ می‌گذارد؛ چون